

International Conference on innovation and research in the arts and humanities

بررسی زندگی جمعی معتادان در تهران از منظر رویکرد انگ زنی و طرد اجتماعی

پیمان حکمت پور¹

1 دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران

hekmatpour@ut.ac.ir

چکیده

اعتیاد یک مسئله مهم اجتماعی در ایران است و همگی، معتقدند که می‌بایست برای آن راه‌حلی اندیشید. خود این مسئله نیز می‌تواند علتی برای مسائل دیگر، نظیر طرد اجتماعی باشد. در شهر تهران محل‌هایی مشاهده می‌شوند که معتادان طرد شده از جامعه در آن‌ها زندگی می‌کنند. آیا طرد اجتماعی مشترک است که این معتادان را کنار هم جمع کرده و به نوعی زندگی جمعی واداشته است. با استناد به نظریات مربوط به طرد اجتماعی و همچنین مطالعه موردی صورت گرفته در دو منطقه تجمع معتادین در شهر تهران، دره فرحزاد و دروازه غار، به وسیله روش‌های مشاهده و مصاحبه بدون ساختار به این نتیجه رسیده‌ایم که طرد اجتماعی عامل این نوع زندگی مشترک نیست و این تجمع‌ها در محل‌هایی خاصی که خارج از نظارت و کنترل اجتماعی است به وجود می‌آیند و معمولاً هیچ‌گونه پیوند اخلاقی بین آن‌ها شکل نمی‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: اعتیاد، کارتن‌خوابی، طرد اجتماعی، انگ زنی.

A study of collective life of homeless addicts in Tehran from the perspective of labeling theory

Peyman, Hekmatpour¹

¹ Department of social sciences, University of Tehran, Tehran, Iran,

Abstract

Addiction is a major social problem in Iran which everyone are looking for it's solution. This problem is of course resulted from different causes; but it himself can contribute to other social problems, such as social exclusion. In Tehran it is easy to observe places in which homeless addicts live together. The main problem of this essay is that if the common experience of social exclusion is the factor which brings them together to live with each other or not. In this study from the perspective of labeling theory and by means of observation and unstructured interview, it came into conclusion that the hypothesis above is not true. The homeless addicts have gathered in such places where the supervision of social control is weak.

Keywords: Addiction, Homelessness, labeling, social exclusion.

International Conference on innovation and research in the arts and humanities

1- مقدمه

در بین مسائل و انحرافات اجتماعی، شاید اعتیاد موضوعی باشد که بیشتر از همه به آن پرداخته شده است. حجم ادبیات تحقیق در کشور ما در زمینه اعتیاد، دلایل آن و تجویزهای گوناگون درباره نحوه حل این مسئله بسیار زیاد است. پس از انقلاب تاکنون بیش از 3 میلیون نفر در ارتباط با مواد مخدر دستگیر شده‌اند که نزدیک 90 درصد این دستگیری‌ها در دو دهه اخیر (پس از جنگ) بوده است. (کریمی و اعتمادی فرد، 1389: 93)

بنا بر گفته‌های قائم‌مقام دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور، بر اساس آخرین آمار و اطلاعات منتشر شده از سوی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد¹ روند مصرف مواد مخدر با شیب ملایم در حال افزایش است به طوری که در سال 2010-2011 به طور میانگین 226 میلیون نفر برابر با 5 درصد از جمعیت 15 تا 64 سال در جهان حداقل یک بار در سال مواد مخدر را مصرف کرده‌اند. این میزان در مقایسه با سال 2009 به میزان 18 درصد و نسبت به سال 2008، 12 درصد افزایش داشته است اما در مورد وضعیت مصرف مواد مخدر در ایران طبق آخرین تحقیقات صورت گرفته تعداد مصرف‌کنندگان یک میلیون و 325 هزار نفر اعلام شده است و بر اساس نتایج این پژوهش نرخ شیوع مصرف مواد مخدر در جمعیت 15 تا 64 سال 2.65 درصد است². (آمار مربوط به سال 92 است) این اظهار نظر در حالی صورت گرفته است که آمار معتادین حرفه‌ای در سال 1378، نزدیک به 2 میلیون نفر و تعداد کسانی که به صورت تفریحی مواد مخدر مصرف می‌کنند نزدیک 5 میلیون نفر بوده است. (کوثری، 1382: 13) با جستجوهای بیشتر می‌توان به آمارهای ضدونقیض دیگری دست پیدا کرد. وجود همین آمارهای متفاوت و نبود آمارهای رسمی درباره تعداد مصرف‌کنندگان مواد مخدر در کشور، خود بیانگر حساسیت دستگاه‌های کنترل اجتماعی درباره این موضوع است.

«جامعه‌شناسان معمولاً مسئله اجتماعی را وضعیت اظهار شده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد.» (رابینگتن و واینبرگ، 1382: 12) با توجه به این تعریف و آمارهای فوق، می‌توان گفت که اعتیاد در جامعه ما همواره به عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح بوده است. از این جهت که وضعیتی است اظهار شده. همواره شاهد آن هستیم که رسانه‌ها و مردم درباره آن بحث و گفتگو می‌کنند، دستگاه‌های کنترل اجتماعی به آن می‌پردازند و اغلب مردم معتقدند که باید برای این مسئله کاری کرد.

تبیین‌های گوناگونی در زمینه دلایل وجود پدیده اعتیاد، از منظر رویکردها و نظریه‌های مختلف ارائه شده است اما اعتیاد همان‌گونه که علت‌های گوناگونی دارد، خود می‌تواند به عنوان یکی از علت‌های پدیده‌ها و مسائل اجتماعی دیگر در نظر گرفته شود. کارتن‌خوابی یکی از این مسائل است. بنا بر گفته شهردار تهران، در این شهر 15 هزار کارتن‌خواب وجود دارد³. و تعداد کارتن‌خواب‌های زن در تهران بنا بر گفته رئیس کمیسیون سلامت و محیط‌زیست شورای شهر، بیش از 3 هزار نفر است⁴. اعتیاد یکی از ویژگی‌های مشخص و بارز بسیاری از کارتن‌خواب‌هاست. اعتیاد به قدری با کارتن‌خوابی در منظر عموم مردم عجین شده است که اکثر افراد معتقدند کارتن‌خواب‌ها، معتادهایی هستند که مورد طرد خانواده و دوستان خویش واقع شده‌اند و بنابراین در خیابان‌ها پرسه می‌زنند. (صدیق سروستانی و نصر اصفهانی، 1389: 6)

بسیاری از ما هرروزه در سطح شهر، شاهد پدیده بی‌خانمانی و کارتن‌خوابی هستیم. چیزی که در این میان شاید بسیار چشم‌گیر باشد، زندگی جمعی بی‌خانمان‌ها با یکدیگر است. آن‌طور که مشاهده می‌شود، پاتوق‌هایی وجود دارند که افراد بی‌خانمان به صورت جمعی در آن‌ها زندگی می‌کنند. هرچند کارتن‌خواب‌های منفردی نیز در سطح شهر دیده می‌شوند، اما

¹ UNODC

² <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920404000317>

³ <http://alef.ir/vdcewz8wejh8nxi.b9bj.html?251324>

⁴ <http://fararu.com-214383> کد خبر

International Conference on innovation and research in the arts and humanities

برخی کارتن خواب‌ها و بی‌خانمان‌ها، در محل‌هایی مشخص در شهر، اجتماع می‌کنند و با یکدیگر زندگی می‌کنند. این محل‌های اجتماع، مستعد حوادث و آسیب‌های گوناگونی است. به‌عنوان مثال اخیراً آتش‌سوزی در یکی از این محل‌ها منجر به مصدوم شدن چند نفر کارتن‌خواب شد^۵ ولی با این‌وجود می‌بینیم که زندگی به این سبک کماکان برای کارتن‌خواب‌ها و معتادین ادامه دارد.

این تجمع‌های جدید می‌تواند موضوعی برای مطالعه‌ای جامعه‌شناختی باشد. آیا طرد اجتماعی عامل مشترکی است که این انسان‌ها را کنار هم نگاه می‌دارد، آیا این تجمع فیزیکی کارتن‌خواب‌ها و معتادین به تجمع‌های اخلاقی و نهایتاً شکل‌گیری گروه می‌انجامد یا خیر، آیا گروه‌های شکل‌گرفته دارای هنجارهای اخلاقی خاصی هستند، قوانین ورود و خروج از این گروه‌ها چگونه است و این‌که اصولاً چرا کارتن‌خواب‌ها و معتادین تمایل به اجتماع در محل‌های مشخصی دارند سؤالاتی هستند که باید تلاش کرد برای آن‌ها پاسخ‌هایی جامعه‌شناختی ارائه داد.

2- چارچوب نظری

اصطلاح طرد اجتماعی (یا واپس‌زدگی^۶)، در معنایی که امروزه از آن می‌شناسیم، نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ در فرانسه مورد استفاده قرار گرفت. طرد اجتماعی در عین این‌که وضعیتی ایستا از محرومیت به شمار می‌آید، فرایند پدیدآورنده این محرومیت نیز تلقی می‌شود. این مفهوم، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم فقر چندوجهی دارد، اما با آن همپوشانی ندارد. هر دو مفهوم، برگرفته از دیدگاه آمارتیا سن موسوم به ناکامی قابلیت‌ی هستند، با این تفاوت که در رویکرد طرد اجتماعی، این ناکامی به معنی ناتوانی در مشارکت و یا ناتوانی عملکردی است. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۷۵)

طرد اجتماعی، سازه‌ای چندبعدی است که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به‌طور هم‌زمان در برمی‌گیرد و تعریفی جامع‌و‌مانع آن آسان نیست و تنوع و نیز تردیدهایی در مورد فضای مفهومی، معرف‌های اصلی و قرابت محتوایی و ارتباط آن با مفاهیم کلاسیک اجتماعی نظیر فقر و نابرابری وجود دارد. (قاضی نژاد و ساوالان پور، ۱۳۸۷: ۱۴۴) با این‌حال دانشمندی نظیر پیس (۲۰۰۱) تلاش کرده‌اند تا تعریفی جامع از مفهوم طرد اجتماعی ارائه کنند. در این تعریف، طرح اجتماعی مفهومی چندبعدی در نظر گرفته می‌شود که فقدان منابع و یا نداشتن حقوق اجتماعی و فرآیندی پویا در طول زندگی افراد محروم را نشان می‌دهد. پویایی فرآیند طرد ناشی از محرومیت چندگانه، گسست پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی و گم کردن هویت و هدف است. (پیس، ۲۰۰۱: ۲۶) بورچارت صاحب‌نظر دیگری است که فقدان مشارکت در فعالیت‌های اصلی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در یک جامعه را عنصر کلیدی در تعریف طرد اجتماعی می‌داند که آن را از مفاهیم کلاسیکی مانند فقر و محرومیت متفاوت می‌سازد. (مورگان و دیگران، ۲۰۰۷: ۴۷۹)

پس می‌توان گفت آن چیزی که سازه طرد اجتماعی را از مفاهیم سنتی نظیر فقر و نابرابری جدا می‌کند، فرآیندی بودن این سازه است. فقر به معنای وضعیت محرومیت از منابع است درحالی‌که طرد اجتماعی، فرآیند فقیر شدن ناشی از انباشت و تعامل عوامل گوناگون است. (استرنجز، ۲۰۰۷: ۱)

پس می‌توان نتیجه گرفت که طرد اجتماعی، فرآیندی است که نشان‌دهنده از دست دادن و محروم شدن فرد از حمایت‌های اجتماعی است. رابطه بین طرد اجتماعی و اعتیاد می‌تواند را می‌توان رابطه‌ای دوسویه فرض کرد به شکلی که این دو به‌صورت دیالکتیکی بر روی هم اثر می‌گذارند. طرد اجتماعی می‌تواند عامل اعتیاد باشد و اعتیاد نیز می‌تواند منجر به طرد اجتماعی بشود.

سیلور (۱۹۹۵) سه نوع رویکرد نسبت به مفهوم طرد اجتماعی را از هم تمیز می‌دهد. رویکرد اول رویکرد همبستگی^۷ است. بر اساس این رویکرد، طرد اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که افراد یا گروه‌ها از مرز هنجارهای مفروض جامعه عبور

5 <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931012000296>

6 Social Exclusion

7 Solidarity Approach <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931012000296>

7 Social Exclusion

7 Solidarity Approach

International Conference on innovation and research in the arts and humanities

کرده، از مشارکت اجتماعی فاصله بگیرند و نیز دولت‌ها از تأمین همبستگی اجتماعی ناتوان باشند. (سیلور، 1995: 3) رویکرد دوم، رویکرد تخصصی⁸ شدن نام دارد. بر اساس این رویکرد، دو نوع طرد وجود دارد. طرد تحمیلی طردی است که به واسطه عدم قابلیت و شکست در جامعه رقابتی در عرصه‌های مختلف برای محرومان به وجود می‌آید. طرد ارادی زمانی است که فرد، چه محروم و چه غیر محروم از روی اختیار با جامعه قطع ارتباط می‌کند. رویکرد سوم رویکرد انحصار⁹ نام دارد. بر اساس این رویکرد، طرد اجتماعی حاصل روابط قدرت و تضاد میان گروه‌های اجتماعی است. در این رویکرد، انحصار و کنترل منابع و امتیازات از سوی گروه‌های دارای قدرت از طریق انسداد اجتماعی و طرد گروه‌های فاقد قدرت از صحنه، شکل گرفته و تداوم پیدا می‌کند. (قاضی نژاد و ساوالان پور، 1387: 148)

از منظری دیگر، اگر کارتن‌خوابی را یک کج روی ثانویه ناشی از طرد اجتماعی فرض کنیم، می‌توانیم رابطه آن را با انگ خوردن به واسطه‌ی یک کج‌روی اولیه مانند اعتیاد، به‌صورت سیر سلسله‌ای از کنش متقابل، که در رویکرد انگ زنی وجود دارد، نشان دهیم. درواقع این کار برای حفظ حالت فرآیندی که در تعریف مفهوم طرد اجتماعی وجود دارد، می‌توان به بهترین نحو از رویکرد انگ زنی استفاده کرد. به‌گونه‌ای که طرد اجتماعی یک مرحله از سیر سلسله وار کنش متقابلی که انگ زنی و انگ خوردن را تشکیل می‌دهد، فرض می‌شود. مفهوم طرد اجتماعی در رویکرد انگ زنی به دو رویکرد همبستگی و انحصار که در بالا ذکر آن رفت، نزدیک است. زیرا در رویکرد انگ زنی، انگ زننده، معمولاً در موقعیتی تصور می‌شود که از این انگ زنی بهره می‌برد. (رابینگتن و واینبرگ، 1382: 150-137) از این منظر طرد اجتماعی در رویکرد انگ زنی به مفهوم طرد در رویکرد انحصار نزدیک می‌شود و از طرف دیگر، از منظر رویکرد انگ زنی، «گروه‌های اجتماعی، کج‌روی را به‌وسیله‌ی مقرراتی که شکستن آن‌ها کج‌روی محسوب می‌شود و با کاربرد آن مقررات در مورد افراد خاص و انگ غریبه به آنان زدن، پدید می‌آورند.» (بکر، 1963: 9) از این جهت نیز طرد اجتماعی در رویکرد انگ زنی به مفهوم طرد در رویکرد همبستگی نزدیک می‌شود.

در رویکرد انگ زنی، سیر سلسله مراتبی فرآیند انگ زنی، با وقوع یک کج‌روی اولیه آغاز می‌شود. مثلاً کشیدن یک نخ سیگار و یا یک‌بار مصرف مواد مخدر، اگر این کج‌روی از دید جامعه پنهان بماند و مورد مجازات قرار نگیرد، ممکن است دوباره تکرار شود و یا در همان‌جا خاتمه بپذیرد؛ ولی اگر دستگاه‌های کنترل اجتماعی، مانند خانواده یا دولت، متوجه این کج‌روی اولیه بشوند، این کج‌روی مجازات اجتماعی به همراه خواهد داشت. بازهم ممکن است کج‌روی در همین نقطه متوقف شود ولی اگر کج‌روی به دلایلی تکرار پیدا کند، متعاقباً مجازات شدیدتری به همراه خواهد داشت و نهایتاً به طرد اجتماعی منجر خواهد شد. از اینجا به بعد طرد خود به‌عنوان یک عامل مؤثر عمل می‌کند به‌گونه‌ای که ممکن است باعث کج‌روی بیشتر همراه باخشم و بی‌زاری فرد کج‌رو نسبت به مجازات‌کنندگان بشود و این فرآیند به‌صورت دیالکتیکی تشدید می‌شود. یعنی هر بار مجازات صورت بگیرد، خشم و نفرت فرد انگ خورده نیز بیشتر می‌شود. تا جایی که شخص خود منزلت و نقش اجتماعی کج‌رو را برای خود می‌پذیرد و تلاش می‌کند با آن همسازی کند. (رابینگتن و واینبرگ، 1382: 150-149)

پس می‌توان مدل نظری این تحقیق را به این شکل فرمول‌بندی کرد: احتمالاً طرد اجتماعی یکی از دلایل گرایش افراد به کج‌روی (در این مثال مصرف مواد مخدر) است. این کج‌روی اولیه اگر با برخورد اجتماعی مواجه شود، خود منجر به طرد اجتماعی می‌شود. این طرد اجتماعی به‌صورت فرآیندی و دیالکتیکی، باعث می‌شود خود شخص، نقش کج‌رو را بپذیرد و به کارتن‌خوابی (کج‌روی ثانویه) روی بیاورد. شاید همین عامل مشترک، یعنی انگ خوردگی، یا پذیرش نقش کج‌رو، عاملی باشد که منجر به زندگی جمعی این مطرودان از جامعه بشود.

3- روش تحقیق

روش‌های مورد استفاده در این پژوهش عبارت‌اند از مطالعه کتابخانه‌ای، مشاهده غیر مشارکتی و مصاحبه بدون ساختار. به‌منظور انجام این تحقیق ابتدا مطالعاتی در زمینه ادبیات موضوع صورت گرفت. سپس به کمک یکی از سازمان‌های

⁸ Specialization Approach

⁹ Monopoly Approach

International Conference on innovation and research in the arts and humanities

مردم‌نهاد¹⁰، که در زمینه خدمات اجتماعی به معتادان کارتن‌خواب فعالیت می‌کند، محل‌هایی که معتادین کارتن‌خواب در آن‌ها زندگی می‌کنند شناسایی و مورد بازدید قرار گرفت.¹¹ با شرکت در جلساتی که در این سازمان به مناسبت سالگرد ترک معتادان کارتن‌خواب سابق تشکیل می‌شود، صحبت‌های عمومی معتادان سابق مورد ضبط و تحلیل قرار گرفت. همچنین با تعدادی از کارتن‌خواب‌ها و همچنین کسانی که قبلاً این تجربه را داشته و اکنون پاک هستند مصاحبه بدون ساختار انجام شد. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق این روش‌ها، منابع بحث و تحلیل در بخش بعدی را فراهم ساخته‌اند.

4- بحث و تحلیل

در زمینه این‌که طرد اجتماعی می‌تواند عاملی برای اعتیاد، گرایش به آن یا تجربه آن برای یک‌بار باشد، تحقیقاتی صورت گرفته است که نشان می‌دهد آمادگی برای اعتیاد ریشه در گسست‌های اساسی در پیوند فرد با گروه‌های اجتماعی و ناتوانی در ادغام در جامعه دارد. (قاضی نژاد و ساوالان پور، 1387: 177) اما از اینجا بعد، یعنی اینکه پس از معتاد شدن، طرد اجتماعی عاملی است که باعث انگ خوردگی و درنهایت کارتن‌خوابی افراد می‌شود، باید گفت که در اظهارات افرادی که قبلاً با تجربه کارتن‌خوابی و اعتیاد درگیر بوده‌اند، کلیدواژه‌هایی از طرد اجتماعی را می‌توان یافت. بنابراین اظهارات، این طرد معمولاً از ناحیه گروه‌های اولیه، یعنی خانواده و دوستان صورت می‌گیرد. تأکیدی که این افراد بر روی طردشدگی از منظر خانواده داشته‌اند بسیار قابل توجه است. آن‌ها می‌گویند که حتی مادرشان که آن‌ها را به دنیا آورده بوده است، از پذیرفتن آن‌ها سرباز می‌زده است. اما در مواردی می‌توان دید که اعتیاد، منجر به طرد فرد از سوی همسرش نشده است ولی در مجموع می‌توان گفت اعتیاد می‌تواند عاملی برای طرد فرد از طرف گروه‌های اولیه بشود.

هنگامی که انگ به این افراد می‌چسبد، یعنی وقتی خودشان به واسطه طرد اجتماعی هویت جدید را می‌پذیرند، از همه چیز و همه کس به خصوص انگ زندگان و مجازات کنندگان بیزار می‌جویند. در اینجا است که آن‌ها می‌کوشند خود را در هویت جدید تعریف کنند یعنی وقتی اعتیاد محور هویت‌یابی آن‌ها می‌شود، به هر کاری، حتی دزدی (بنا بر گفته‌های خود این افراد) دست می‌زنند تا بتوانند به مصرف ادامه دهند.

درباره‌ی این مسئله که آیا وجود ویژگی مشترکی مانند طردشدگی، این افراد را به هم نزدیک کرده و نهایتاً تشکیل گروه می‌دهند باید گفت که بنا بر اظهارات خود افراد: مصرف‌کننده‌ها اکثراً دوست دارند تک باشند و تنها زندگی کنند. نهایتاً دو نفر از آن‌ها باهم رابطه برقرار می‌کنند. معتادان نمی‌توانند باهم یکجا باشند زیرا یک روز یک نفر پول ندارد و روز بعد دیگری در نتیجه، با کلک یا زور و یا دزدی پول یا مواد را از هم می‌گیرند. آن‌ها اصطلاحاً باهم آبشان در یک جوی نمی‌رود و تک زندگی می‌کنند. در میان آن‌ها هر کس به فکر خودش است و به که دیگران می‌آیند یا می‌رود تفاوتی در حالشان نمی‌کند.

مشاهدات ما در دره فرحزاد و در منطقه دروازه غار مؤید این اظهارات است. در دره فرحزاد منطقه وسیعی وجود دارد که تعداد زیادی از افراد معتاد در آن زندگی می‌کنند. اما آن‌طور که مشاهده شد، در شب آن‌ها نهایتاً دو نفر کنار یک آتش نشسته بودند و کاری به کار یکدیگر نداشتند. گروه‌های بزرگ‌تر از دو نفر که آنجا مشاهده شد، عموماً گروه‌های خانوادگی بودند. خانواده‌هایی که همه اعضای آن، زن، مرد و کودک درگیر اعتیاد بودند.

پس با وجود این برداشت‌ها، این مسئله که معتادان پاتوق‌ها و محل‌های اجتماع مشخصی دارند چگونه توجیه‌پذیر خواهد بود. باید گفت که بنا بر اظهارات افرادی که این نوع زندگی را تجربه کرده‌اند، علت اجتماع معتادین در محل‌های خاص، تشکیل گروه از جانب آن‌ها نیست بلکه معطوف به یک عامل بیرونی است و آن عامل عدم برخورد عوامل کنترل اجتماعی نظیر پلیس و شهرداری با معتادانی است که در این محل‌های مشخص اجتماع می‌کنند. عامل دیگر هم می‌تواند نزدیکی به عوامل توزیع مواد باشد به‌گونه‌ای که عموماً مصرف‌کننده برای تهیه مواد مجبور نیست مسیر زیادی را بپیماید و فروشنده‌ها در محل‌های اجتماع مصرف‌کننده‌ها حضور پیدا می‌کنند. مجموعه‌ی این عوامل باعث می‌شود که ببینیم که معتادین معمولاً

¹⁰ موسسه طلوع بی‌نشان‌ها

¹¹ دره فرحزاد و منطقه دروازه غار

International Conference on innovation and research in the arts and humanities

به صورت گروهی زندگی می کنند ولی این گروه ها، به معنی جامعه شناختی گروه محسوب نمی شوند زیرا نه هنجارها و ارزش های مشترکی بر گروه حاکم است و نه قوانینی برای ورود خروج از گروه ها وجود دارد. این شبه گروه ها صرفاً دارای تعلق مکانی می باشند و از تعلق و اجتماع اخلاقی و هنجاری بی بهره اند.

مسئله دیگری که در مشاهدات قابل ذکر است، وجود افراد از هر دو جنسیت در این گونه تجمع ها بود. می توان گفت که زنان، به واسطه محدودیت ها و هنجارهای سنتی جامعه، بیشتر در معرض طرد اجتماعی قرار دارند. اگر طرد اجتماعی را مرحله ای از فرآیند انگ زنی همان طور که در چارچوب نظری تحقیق بیان شد در نظر بگیریم و این نکته را مدنظر داشته باشیم که عموماً در فرآیند انگ زنی، انگ خورنده در مرتبه ای فرودست نسبت به انگ زننده قرار دارد، این امر توجیه پذیر می شود. زنان به واسطه جایگاهی که در جوامع سنتی و مذهبی دارند، بیشتر از مردان مستعد انگ خوردن و نهایتاً طرد شدن از جامعه هستند. این امر می تواند تأثیری دوگانه داشته باشد، از آنجایی که هزینه طرد اجتماعی برای زنان بیشتر از مردان است، تعداد زنان انگ خورده و مطرود کمتر است ولی با همین توجیه طرد اجتماعی زنان از مردان شدیدتر خواهد بود.

5- نتیجه گیری

پاسخ هایی که به سؤالات ذکر شده در قسمت بیان مسئله می توان داد به این شرح است:

1. طرد اجتماعی می تواند عاملی برای اعتیاد باشد و اعتیاد می تواند عاملی برای کارتن خوابی و بی خانمانی تلقی شود ولی این تأثیرها عموماً به شکل رفت و برگشتی و دوطرفه است به گونه ای که طرد منجر به اعتیاد می شود و اعتیاد می تواند منجر به طرد شود و همچنین اعتیاد می تواند منجر به کارتن خوابی بشود و از آنجایی که محل تجمع کارتن خواب ها معمولاً مورد رجوع فروشندگان مواد است، کارتن خوابی می تواند منجر به اعتیاد و یا عوض شدن شکل و الگوی مصرف اعتیاد در بین کارتن خواب ها بشود.
 2. معتادین عموماً تمایل دارند به صورت فردی زندگی کنند ولی این که می بینیم معمولاً به شکل جمعی زندگی می کنند به علت آن است که عوامل کنترل اجتماعی محل های تجمع معتادان را نادیده می گیرند. گروه های پرجمعیتی از معتادین که کنار هم زندگی می کنند و باهم رابطه دارند، معمولاً گروه هایی هستند که پیوندهایی به جز طرد اجتماعی دارند. مثلاً گروه های خانوادگی که همگی درگیر اعتیاد هستند باهم زندگی می کنند ولی آن چیزی که آن ها را به زندگی جمعی وصل می کند، اعتیاد و طردشدگی نیست بلکه روابط عاطفی و خانوادگی است.
 3. شبه گروه هایی که از معتادان شکل می گیرند، گروه های واقعی نیستند زیرا هنجارها و ارزش های مشابه نداشته و قوانینی برای ورود خروج افراد به گروه وجود ندارد. معتادها اکثر با یکدیگر کاری ندارند. شبه گروه های یادشده صرفاً تعلق مکانی دارند و این تعلق مکانی به علت عدم برخورد عوامل کنترل اجتماعی باکسانی که در این مکان ها اجتماع می کنند و نزدیکی به مراکز توزیع مواد مخدر است.
- در پایان باید گفت که رسیدن به درکی صحیح از این مسئله، صرفاً با مشاهده و مصاحبه امکان پذیر نیست. می بایست با مشاهده همراه با مشارکت در زمانی طولانی، به زندگی این افراد وارد شد. تجربه زیسته آن ها می بایست تا حدودی توسط خود محقق تجربه بشود تا درکی واقعی تر نسبت به زندگی و روابط این بخش مطرود از جامعه حاصل شود.

تشکر و قدردانی

از زحمات استاد ارجمند جناب آقای دکتر سید حسن حسینی کمال تشکر به عمل می آید.

مراجع

- [1] ابراهیمی، مهدی (1391) مرور و معرفی کتاب: طرد اجتماعی: علل و پیامدهای کوتاه مدت و بلندمدت، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره سیزدهم، شماره 3، ص 175-180.

International Conference on innovation and research in the arts and humanities

- [2] رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (1382) رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [3] صدیق سروستانی، رحمت‌الله و نصر اصفهانی، آرش (1389) اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن‌خوابی در شهر تهران؛ پژوهشی کیفی، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره 4، ص 1-18.
- [4] قاضی نژاد، مریم و ساوالان پور، الهام (1387) بررسی رابطه طرد اجتماعی و آمادگی برای اعتیاد، *مسائل اجتماعی ایران*، سال شانزدهم، شماره 63، ص 139-180.
- [5] کریمی، محمدتقی و اعتمادی فرد، سید مهدی (1389) ساخت اجتماعی اعتیاد در ایران، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره چهارم، ص 93-110.
- [6] کوثری، مسعود (1382) آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر، *اعتیاد پژوهی*، سال دوم شماره 5، ص 13-30.

[1] Becker, H. S (1963) *Outsiders: Studies in the Sociology of Deviance*, Glencoe, I11. Free Press.

[2] Morgan, Crag, et .al (2007) Social Exclusion and Mental Health: Conceptual and Methodological Review, *British Journal of Psychiatry*, 191: 477-483.

[3] Peace, Robin (2001) Social Exclusion: A Concept in Need of Definition, Knowledge Management Group, Ministry of Social Policy, *Social Policy Journal of New Zealand Issue*, 16: 17-36.

[4] Silver, Hilary (1995) Reconceptualizing Social Disadvantage: Three Paradigms of Social Exclusion, International Institute for Labor Studies.

[5] Stranges, Manuela (2007) Social Exclusion in Italian Regions: A synthetic Approach of Measurement, Department of Economics and Statistics, University of Calabria.